

## هتک ناموس و روابط جنسی نامشروع

### پاراگراف دوم - عدم اهلیت مجرم

درین قسمت آنچه با پاراگراف قبل مشترك است از قبیل ممنوعیت ابدی بجهت وجود رابطه محرمیت و غیر آن مورد بحث مجدد قرار نخواهد گرفت. لذا میپردازیم بشرح جهات خاصی که ممکن است موجب عدم اهلیت مجرم برای ازدواج با مجنی علیها باشد.

#### ۱ - سن مجرم

سابقاً توضیح دادیم که بموجب ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی حد اقل سن مرد برای ازدواج ۱۸ سال تمام است و با استثنائی که ممکن است بر اثر پیشنهاد دادستان و تصویب دادگاه صالحه رعایت کرد این حد تا پانزده سال تمام قابل تغییر است.

بنابراین چنانچه سن مجرم از پانزده سال کمتر باشد نامبرده نمیتواند با مجنی علیها ازدواج کند و حداکثر مجازاتی که در اینصورت قابل اعمال است بموجب ماده ۳۵ قانون مجازات پنجاه ضربه شلاق است.

معذالک چنانچه در حین رسیدگی سن متهم از پانزده سال تمام گذشت و دادگاه صالحه بر اثر تقاضای دادستان با استثناء مندرج در ماده ۱۰۴۱ قانون مدنی موافقت کرد ازدواج متهم از حیث سن بلاشکال خواهد شد.

#### ۲ - سلامتی متهم

بموجب قانون لزوم ارائه گواهی نامه پزشک قبل از ازدواج مصوب سال ۱۳۱۷ کلیه دفاتر ازدواج مکلفند قبل از وقوع ازدواج از نامزدها گواهی نامه پزشک مبنی بر عدم ابتلاء با امراض مسریه مهم از قبیل سل - سوزاک و سیفلیس را مطالبه نمایند.

بنا بر این متهمی که مبتلا یکی از امراض مسریه مهم باشد قبل از باز یافتن سلامتی خود از ازدواج با مجنی علیها محروم است.

#### ۳ - مجرم غیر مسلمان

بر طبق ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی و نیز ماده ۱۷ قانون ازدواج، ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان ممنوع است. سرچشمه این ممنوعیت را بایستی در فقه اسلام جستجو کرد که ازدواج مرد مسلمان را با غیر مسلمه مجاز دانسته ولی عکس آنرا حرام کرده است.

#### ۴ - مرتکب غیر ایرانی

برطبق ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی که مانع قانونی نداشته موکول با اجازه مخصوص از طرف دولت است.

شرایط خاصی برای ازدواج اتباع بیگانه با زنان ایرانی برطبق تصویبنامه مورخه ۱۳۱۹/۹/۱۴ هیئت وزراء تعیین شده است که بموجب آن :

اولاً مقام صلاحیتدار برای صدور اجازه ازدواج وزارت کشور شناخته شده است.

ثانیاً - شرایط مزبور عبارتند از :

- ۱ - داشتن تمکن کافی برای تأمین نفقه زن.
- ۲ - نداشتن سوء سابقه و محکومیت جزائی .
- ۳ - عدم ابتلاء با امراض مسریه .
- ۴ - عدم منع قانونی برای ازدواج مزبور در ممالک متبوعه زوج .

بعلاوه ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی این ازدواج را در صورتی ممکن دانسته که مانع قانونی دیگری وجود نداشته باشد و یکی از این موانع اینست که مرد مسلمان نباشد.

همچنین بایستی کشور متبوع زوج نیز ازدواج بمردان ایرانی را با زنان آن کشور منع نکرده باشند.

#### ۵ - مرتکب دیوانه

برطبق ماده ۱۰۶۴ قانون مدنی هر مردی که میخواهد ازدواج کند باید عاقل و بالغ و قاصد باشد. از نظر بلوغ قانون حداقل سن را با شرط اعطای معافیت پانزده سال تمام قرار داده است اما در مورد عاقل بودن - با اینکه یکی از ارکان صحت هر عقدی قصد و رضای طرفین است معذالک قانون مورد خاصی را پیش بینی کرده است که بمراد دیوانه اجازه ازدواج داده شده است. ماده ۱۱۲۵ قانون مدنی مینویسد :

« جنون و عنن در مرد هر گاه بعد از عقد هم حادث شده باشد موجب

حق فسخ عقد ازدواج برای زن خواهد بود »

از جمله « بعد از عقد هم حادث شده باشد » معلوم میشود که ممکن است جنون قبل از عقد وجود داشته باشد. اینک ببینیم در تحت چه شرایطی مجنون میتواند ازدواج کند :

دونوع جنون مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است که عبارتست از جنون ادواری و جنون دائمی :

در مورد جنون ادواری هر گاه وقوع عقد ازدواج در حین افاقه بعمل آمده باشد اشکالی وجود ندارد زیرا عقد مزبور از جهت قصد و رضای طرفین خللی ندارد.

لکن در مورد جنون دائم وضع بدین نحو نیست و قانون ترتیب خاصی برای ازدواج مجنون در نظر گرفته است و ماده ۸۸ قانون امور حسبی ازدواج مجنون را از نظر بهبود بیماری روانی و یا عقلی با اجازه پزشک معالج ممکن دانسته است. در اینصورت قیم میتواند با اجازه دادستان از طرف مجنون و بنام وی زوجه ای برای مجنون در نظر بگیرد.

## هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

در مورد مرتکب هتك ناموس که ابتلا بجنون باشد قانون مصونیت دیگری نیز در نظر گرفته است. این مصونیت بموجب ماده ۴۰ قانون مجازات عمومی و بشرح زیر است :

« کسی که در حال ارتکاب جرم مجنون بوده یا اختلال دماغی داشته باشد مجرم محسوب نمی شود و مجازات نخواهد شد و بی در صورت بقای جنون بایستی بدارالمجانین تسلیم شود . »

علت اینکه قانون اینگونه اشخاص را اصولاً مجرم نمیشناسد اینستکه نامبردگان در هنگام ارتکاب عمل فاقد قصد میباشند. مصونیت مزبور شامل کسانیکه حین ارتکاب جرم مجنون بوده باشند ولی در صورتیکه ابتلای به بیماری پس از ارتکاب باشد نیز مقرراتی وجود دارد که بشرح زیر است :

در صورتیکه قبل از صدور رأی قطعی متهم مبتلای بجنون شد بموجب فرازیک از ماده ۸ آئین دادرسی جزائی از تعقیب مصون خواهد ماند .

در صورتیکه رای قطعی بر محکومیت متهم صادر شده باشد قانون راجع به تعیین تکلیف محکومین بحبس که مبتلا بجنون میشوند مصوب دهم تیرماه ۱۳۱۷ شامل حال وی شده و پس از گواهی طبیب قانونی چنین مجرمی فوراً به نزدیکترین دارالمجانین که مقتضی باشد منتقل خواهد شد. مدت اقامت در دارالمجانین جزء مدت محکومیت نامبرده محسوب خواهد شد .

اختلاف اساسی که بین این دو حالت وجود دارد اینستکه در مورد شق اول اصولاً مرتکب از نظر قانون مجرم شناخته نمیشود و عمل وی نیز جرم محسوب نمیشود در صورتیکه در حالت دوم وقوع جرم محقق بوده و محکومیت متهم در سجل قضائی وی ثبت خواهد شد و آثار مترتبه بر آن را بایستی مجرم تحمل نماید. بعلاوه در صورتیکه قبل از اتمام مدت محکومیت نامبرده شفا یافت مجدداً بزندان منتقل خواهد شد .

## شرط دوم - وقوع ازدواج

چنانچه موانع مذکوره برای نکاح فیما بین طرفین وجود نداشته باشد وقوع عقد در صورت رضایت زوجین یا ولی آنها (در صورت لزوم) امکان پذیر است و پس از وقوع ازدواج دیگر نمیتوان زوج را بعنوان هتك ناموس زوجه تعقیب کرد .

## عفو

یکی دیگر از جهاتی که ممکن است پس از صدور حکم و قطعیت آن موجب تخفیف مجازات مجرم بشود عفو است .

بموجب ماده ۵۰ قانون مجازات عمومی پادشاه حق دارد در جرائم عادی مجازات اشخاصی را که بموجب حکم قطعی محاکم صالحه محکوم شده اند در صورتیکه محکومیت اعدام باشد به حبس ابد تبدیل نماید و سایر جرائم را یکدرجه تخفیف دهد و یا قسمتی از آنرا تا ربع مدت مجازات عفو کند .

### هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

استفاده از مقررات این ماده در صورتی امکان پذیر است که وزیر دادگستری بدو پیشنهاد عفو مجرم را به هیئت وزرا بنماید و پس از تصویب هیئت مزبور برای موافقت شاهنشاه ارسال دارد.

در مورد تعلیق مجازات مجرم با اینکه مطابق قانون بهمن ماه ۱۳۰۶ عده‌ای از جرائم مشمول تعلیق قرار میگیرند ولیکن جرم هتك ناموس و بطور کلی جرائم مزبوط به اخلاق حسنه از تعلیق محروم میباشد.

### تذکر

بموجب قسمت آخر بند ب از ماده ۲۰۷ رضایت مجنی علیها در موردیکه سن وی کمتر از پانزده سال تمام باشد بعمل هتك ناموس مؤثر در امر نبوده و مجرم بمجازات هتك ناموس بعنف محکوم خواهد شد.

### شروع بجرم

ماده بیست قانون مجازات عمومی که ذیلآ درج میشود شروع بجرم را در مواردی که جرم از دسته جنایات باشد قابل مجازات دانسته است:

« هر گاه کسی قصد جنایتی کرده و شروع باجرای آن بنماید ولی بواسطه موانع خارجی که اراده فاعل در آنها مداخلیتی نداشته قصدش معلق یا بی اثر بماند و جنایت منظوره واقع نشود مرتکب بحد اقل مجازاتی که بنفس جنایت مقرر است محکوم خواهد شد و اگر مجازات جنایت اعدام باشد مرتکب بحبس غیر دائم با مشقت محکوم می شود »

بایستی در نظر داشت که در بعضی از جرائم وضع طور بیست که شروع به جرم مزبور خود دارای عنوان خاصی در قانون است. یکی از اینگونه جرائم همین موضوع هتك ناموس است. زیرا شروع بجرم مزبور مستلزم تهیه و تمهید مقدماتیست که این مقدمات غالباً با هتك عفت شروع میشود.

درین مورد بخصوص رویه دادگاه بایستی بر چه اساسی استوار باشد؟ آیا مجرمی که در وضع خاصی قبل از ارتکاب جرم هتك ناموس گرفتار پنجه عدالت میشود بچه عنوان قابل تعقیب است؟ هتك عفت یا شروع بهتك ناموس بعنف کدام یک در این مورد صادق است. زیرا برای دادرس دادگاه بسیار مشکل و بلکه محال است که بتواند نیت باطنی و قصد واقعی چنین جنایتکاری را کشف نماید و فی المثل متهم میتواند ادعا کند که قصدش نزدیکی با مجنی علیه نبوده است. آراء صادره از دیوان کشور نیز این موضوع را تأیید میکنند.

کسی باتهام اینکه در شب هنگامیکه شوهر زنی بصحرا رفته بوده و زن روی بام خوابیده بوده بخانه او رفته و برای عمل شنیع با دست دهان او را گرفته ولی بواسطه فریاد زدن متهم فرار میکند، برحسب شکایت شوهر، نامبرده مورد تعقیب قرار گرفته و پس از صدور قرار مجرمیت باستناد ماده ۲۰۷ و ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی

## هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

( راجع بشروع جرم ) دادگاه جنائی عمل را منطبق با ماده ۲۰۸ ( عمل منافی عفت غیر از هتك ناموس ) دانسته و با رعایت ماده ۵۴ ( از موارد مخففه مجازات ) متهم را به پنج ماه حبس محکوم نموده است . مدعی العموم از حکم مزبور بعنوان اینکه مورد منطبق باماده ۲۰۷ و عمل مرتکب شروع بجرم هتك ناموس بوده از رأی دادگاه جنائی تمیز خواسته دیوان عالی کشور شعبه دوم در حکم شماره ۱۰۷۸۴ / ۲۷۱۷ مورخه ۱۳۱۶ / ۱۲ / ۱۶ چنین رأی داده است :

« اعتراض مدعی العموم استیناف بر حکم مورد درخواست تمیز خلاصه آنستکه دادگاه جنائی با قطعیت وقوع قضیه برخلاف تقاضای مدعی العموم بدایت که موضوع را با ماده ۴۰۷ اصلاحی قانون مجازات عمومی منطبق دانسته آنرا مشمول ماده ۴۰۸ دانسته است در صورتیکه عمل بهیچ وجه با ماده استنادی دادگاه مزبور قابل انطباق نیست و اگر دادگاه نظر ارفاقی داشته مناسب این بود که عمل را مشمول ماده ۴۱ قانون نامبرده میدانسته و متهم را اساساً تبرئه میکرده . این اعتراض وارد نیست بطوریکه در حکم مورد درخواست تمیز بیان شده آنچه نتیجتاً در نظر هیئت حاکمه دیوان جنائی محرز گردیده این بوده است که متهم بدون رضای شاکیه و برای عمل منافی عفت در فراش او رفته و بواسطه داد و فریاد مشارالیهها متهم از قصد خود منصرف شده است و در انطباق عمل مزبور بکیفیتی که در نظر دادگاه محرز شده ( بدون هتك ناموس ) باماده ۴۰۸ قانون مجازات عمومی اشکالی بنظر نمیرسد و بعلاوه عمل هم طوری نبوده که فقط قصد ارتکاب جنایت محسوب و با ماده ۴۱ قانون نامبرده قابل انطباق باشد و چون موردی برای نقض دادنامه بنظر نمیرسد لذا حکم مزبور باتفاق آراء ابرام میگردد . »

ثالثاً موانع خارجی که در ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی مذکور است دارای معنای خاصی نیست و قاضی میتواند بنا بر استنباط خود از آن استفاده های مختلف بنماید و علی الاصول نیز مشمول موارد عدیده ای میشود . فی المثل شخصی در حین ارتکاب جنایت بجهت شنیدن صداهای نامأنوسی در خارج از محیط عمل دچار وحشت میشود و از ارتکاب جنایت منصرف میگردد آیا در این صورت چگونه میتوان تمیز داد که نامبرده بعلت وجود موانع خارجی از ادامه جنایت خودداری نموده است .

باتوجه بآنچه گفته شد در مورد شروع بجرم هتك ناموس دو حالت ممکن است وجود داشته باشد .

حالت اول وقتی است که مجرم در اثر عوامل خارجی که اراده وی در آن بی اثر

### هتك ناموس و روابط جنسی نامشروع

بوده موفق نشده است جنایت منظوره را مرتکب شود در این صورت مجازات وی سه سال حبس با اعمال شاقه خواهد بود.

حالت دوم وقتی است که مجرم پس از شروع بجرم و قبل از ارتکاب آن بنحوی که قانون مقرر داشته است از ادامه جنایت منصرف میشود. در این حالت اگر آن مقدار اعمالی که انجام داده خود دارای عنوان خاصی از جرائم باشد (مانند اینکه عملش از نظر قانون هتك عفت قلمداد گردد) مجازاتش برابر با جرم انجام شده است و چنانچه اعمالی که انجام داده جرم خاصی محسوب نگردد بحکایت ماده ۲۲ قانون مجازات عمومی از تعقیب و مجازات معاف خواهد بود.

با این ترتیب و شقوق مختلفی که قانون پیش بینی کرده است ملاحظه میشود که مسئله شروع بجرم در مورد ما نحن فیه موضوع قابل اهمیتی است که ممکن است با مختصر اختلاف رأی دادرس از برائت تا سه سال زندان تغییر پیدا کند.

بعلاوه در صورتیکه عمل متهم هتك عفت محسوب گردد باز هم میزان مجازات وی از شش ماه تا سه سال زندان تأدیبی خواهد بود و اگر شروع بجرم هتك ناموس قلمداد شود سه سال حبس با اعمال شاقه منتظر متهم است که حتی اگر دادگاه مربوطه حد اکثر مجازات را برای متهم بعمل هتك عفت مقرر دارد باز هم اختلاف فاحشی فیما بین این دو مجازات موجود است. بدین معنی که جرم مجرمین دسته اول جنحه بوده و جرم مجرمین دسته دوم جنایت محسوب میگردد.

با توجه بایرادات فوق بهتر این بود که قانون در موارد خاصی نظیر جرم هتك ناموس و هتك عفت که شروع بجرم اول با جرم دوم نزدیک و بلکه عین آنست تکلیف صریحتری برای قاضی روشن مینمود که بیم اشتباه و تداخل دو جرم کمتر گردد.

### مرور زمان

یکی دیگر از عواملی که موجب تعلیق مجازات میباشد مرور زمان است: بر طبق قسمتی از ماده ۵۱ قانون مجازات عمومی چنانچه مرتکب امر جنائی پس از ارتکاب و یا آخرین اقدام مدت ده سال مورد تعقیب قرار نگیرد دیگر نمیتوان ویرا مورد تعقیب و مجازات قرار داد.

آنچه از فحوای قانون برمیآید این است که متهم بخاطر جرمی که مرتکب شده تحت تعقیب قرار گیرد و دیگر مسئله صلاحیت مرجع تعقیب کننده مطمح نظر قانون گذار قرار نگرفته است.

لکن با توجه به فلسفه تعبیه مرور زمان در جرائم بایستی اذعان نمود که منظور از عدم تعقیب مجرم از طرف مرجع صلاحیتدار بوده است و لا غیر.

نکته ای که باین نظریه کمک میکند اینست که قانون برای تعطیل دادرسی جهت خاصی را پیش بینی نکرده و هر امری که موجب آن بشود کافی برای حصول مرور زمان

## هتک ناموس و روابط جنسی نامشروع

محسوب گردیده است ولو اینکه این عدم تعقیب بعلت مسامحه مأمورین مربوطه باشد . زیرا بنظر قانونگذار یکی از جهاتی که جامعه را به تعقیب و مجازات مجرم وامیدارد همانا اصلاح حال مجرم است که پس از گذشت این مدت طولانی هم جامعه آن جرم را فراموش کرده و هم مجرم ممکن است بکلی تغییر رویه داده باشد و بعلاوه شاکی خصوصی نیز محققاً با گذشت زمان وعدم تعقیب مجرم قطعاً نظر بمنع تعقیب وی داشته لذا لزومی ندارد که مجدداً مسئله فراموش شده ای را از نو عنوان نموده و موجبات مزاحمت مردم را فراهم آوریم .

نگارنده در سفر اخیری که یکی از شهرهای شمالی ایران نمودم در یکی از شعب بازپرسی پرونده‌هایی مربوط به دوازده سال و بیشتر دیدم که بازپرس پیچاره را سرگردان ساخته بود و نمیدانست با این پرونده‌ها که غالباً مشمول مرور زمان میشد چه بکند .

یکی از این پرونده‌ها مربوط به یازده سال قبل و حاکی بود که شخصی شکایت کرده که مرد غریبه‌ای هر روز بهانه‌ای بمنزل وی میرفته و با دختری که در آن خانه در نزد مادرش زندگی میکرد و سنش در حدود شانزده سالست نزدیکی میکند .

دستور احضار آنمرد و دختر و مادر صادر میشود و خلاصه جریان پرونده یازده سال تمام در مرحله بازپرسی طول کشیده و مدتها هم بدون اقدام مانده بوده .

اخیراً که بازپرس مربوطه کارهای معوقه را مورد رسیدگی قرار داده متوجه این پرونده شده و از روی ناچاری و بحکم قانون دختر را احضار میکند دختر مزبور که شوهر کرده و دارای دو بچه هم شده با حال نزار نزد بازپرس آمده و علت احضارش را میپرسد البته دلائلی در پرونده وجود دارد که حکایت از وجود رابطه نامشروع دارد معذالک آیا بازپرس میتواند جرمی که در یازده سال قبل اتفاق افتاده و یکی از مجرمین نیز در حال حاضر دارای شوهر و اولاد است مورد رسیدگی قرار دهد؟

سفر اخیر اینجانب مقارن ایامی بود که لایحه اخیر وزیر دادگستری مبنی بر مختومه ساختن پرونده‌هایی که مدتی از شروع به تعقیب گذشته و منجر به نتیجه نشده‌است تحت شور مجلس شورای ملی بود و من باقای بازپرس گفتم کمی صبر کنند تا تکلیف این لایحه معلوم شود ولی اگرچنین لایحه ای مورد تصویب واقع نمیگردید تکلیف این زن با دو بچه‌اش چه میشد؟

فرضی که مورد بحث قرار گرفت در صورتی بود که تعقیب مجرم منتهی بصدور رأی قطعی نشده باشد . ماده ۲۰ قانون مجازات عمومی در موردی که رأی قطعی از طرف محکمه صالحه صادر شده باشد مدت مرور زمان را پانزده سال از تاریخ صدور رأی قطعی قرار داده است . در صورتیکه مجرمی پس از صدور رأی قطعی مدت پانزده سال توانست از اجرای حکم دادگاه جلوگیری نماید از مجازات اصلی معاف است ولی نتایج حاصله از حکم ( مجازاتهای تبعی و تکمیلی ) از قبیل محرومیت از بعضی از حقوق باقی خواهد ماند .

## قسمت دوم - زنای بدون عنف

قانون مجازات با توجه بسن مجنی علیها حالات مختلفی برای زنای بدون عنف

### هتك ناموس و روابط جنسی لامشروع

و تهدید در نظر گرفته است و ما نیز در تقسیم مسائل مربوط بان از همین رویه پیروی میکنیم .

اصولاً مجنی علیها از نظر سن سه حالت میتواند داشته باشد .

۱ - کمتر از پانزده سال تمام داشته باشد .

۲ - بین پانزده و هیجده سال تمام داشته باشد .

۳ - بیشتر از هیجده سال تمام داشته باشد .

در صورتیکه مجنی علیها کمتر از پانزده سال تمام داشته باشد همانطور که قبلاً توضیح داده شد جرم مجرم زنای بعنف و تهدید شناخته شده است زیرا فرض قانون گزار اینست که رضایت مجنی علیها بعلت صغیر سن مخدوش است . دو حالت دیگر را در تحت دو قسمت جداگانه تحت بررسی قرار میدهم .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی